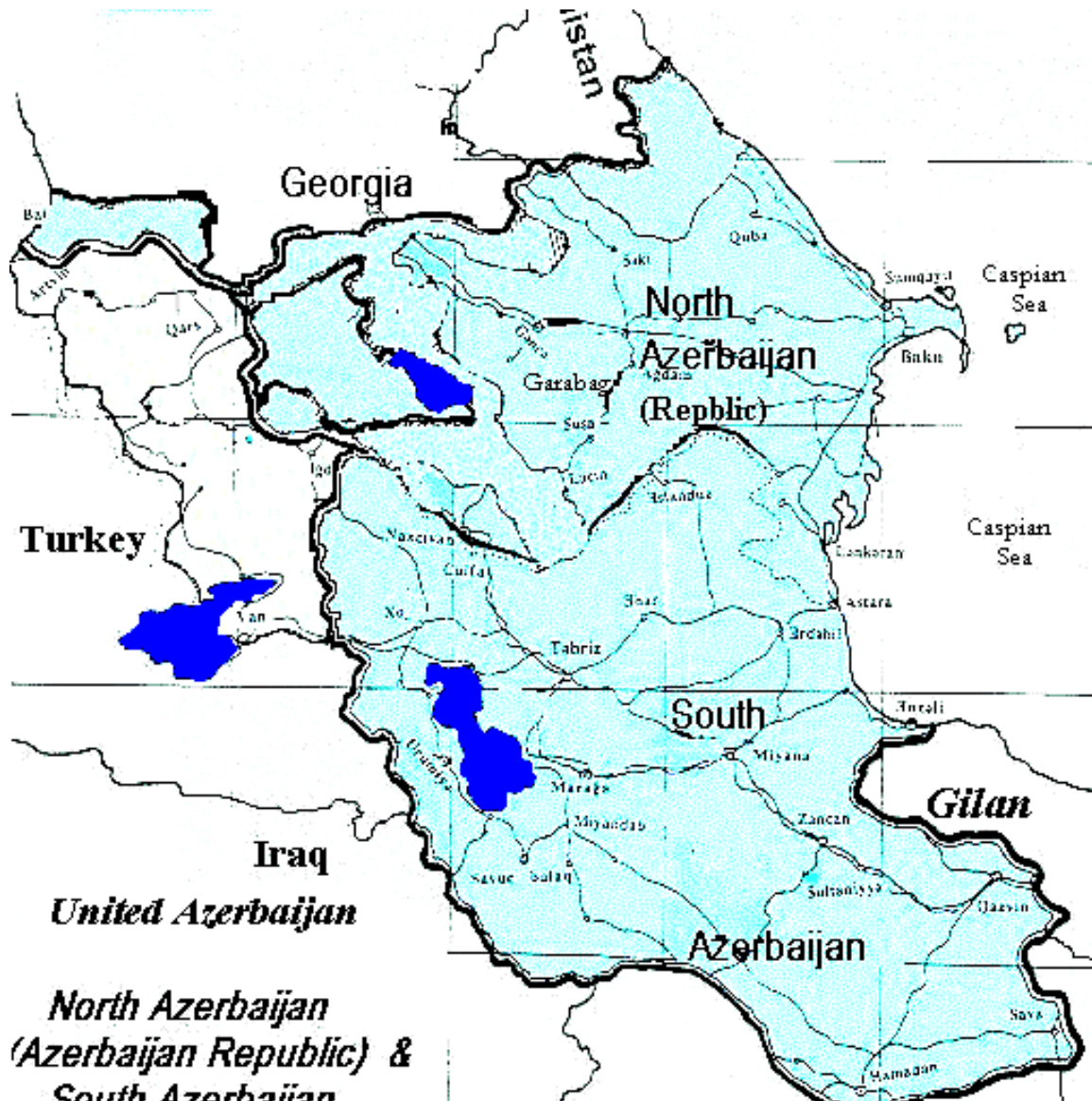


سرحدات تاریخی آذربایجان و اسنادی از قدمت حضور ترکان در آن مملکت

میراسماعیل سید موسوی



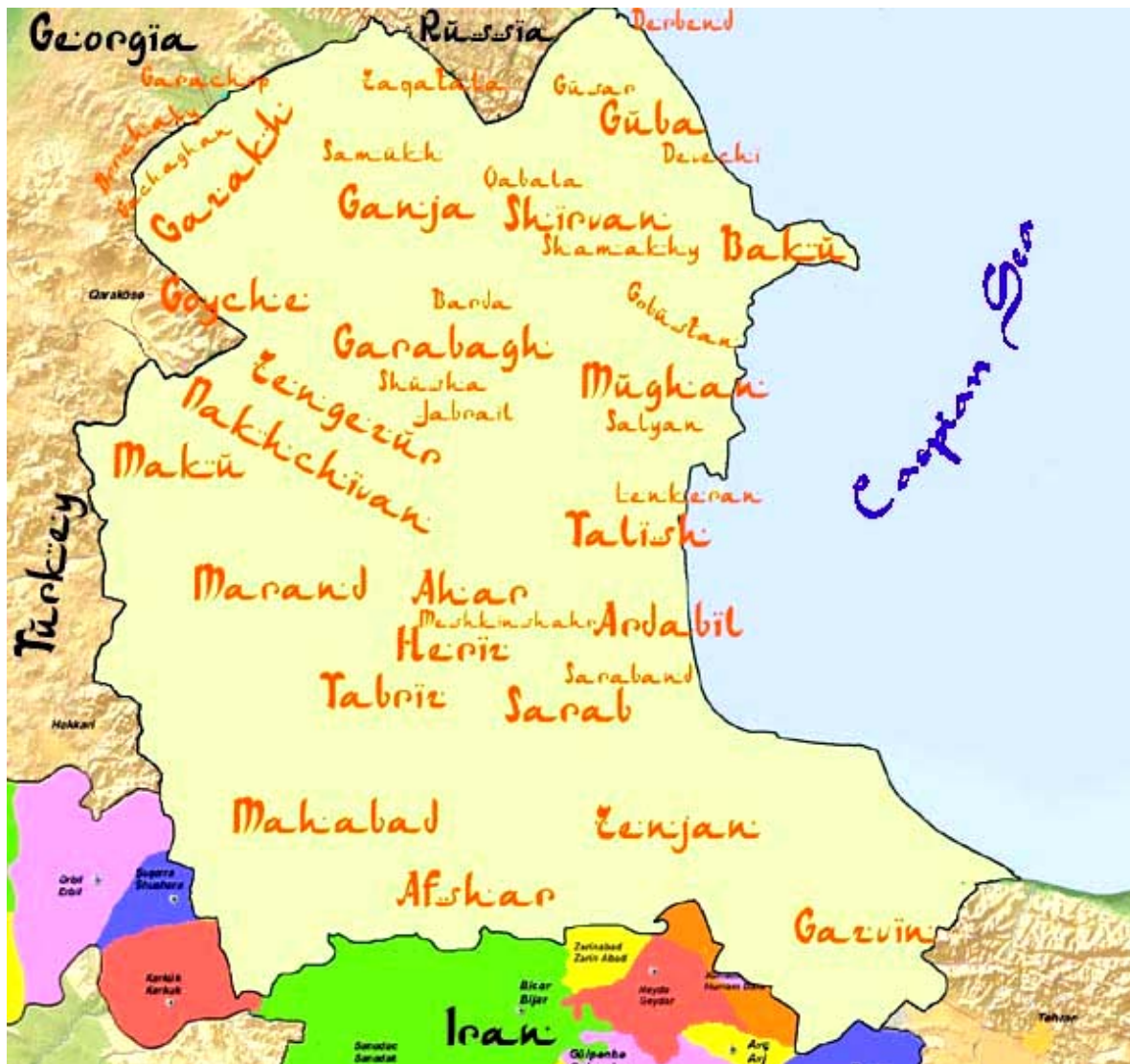
توجه... در این نقشه بخشی از اراضی تاریخی آذربایجان جنوبی که در داخل اراضی استانیهای جدید التاسیس و غیر تاریخی کرمانشاه و کردستان قرار دارد منظور نشده است!

مدخل:

در سالهای اخیر به دلایل عدیده ای، تلاش می شود تا حدود تاریخی آذربایجان محدود به سرحدات استانیهای کنونی آذربایجان ایران نشان داده شود. بی تردید سرحدات آذربایجان در طول تاریخ به تعبیر «ریچارد فرای» متغیر بوده است. لیکن طراحان این تبلیغات آماج و آمال سیاسی خطرناکی را دنبال می کنند و نه ایضاح حقایق تاریخی.

در اینجا چند نمونه از اسناد تاریخی را که ناقض تحریفات و تبلیغات این قبیل افراد است . حضور خوانندگان محترم تقدیم می کنیم. اما قبل از آن اشاره به چند نکته ضروری است:
اولاً. آنچه در اینجا ذکر می شود، فقط نمونه است و در لابلای مطالعات غیرتاریخی و حسب اتفاق رویت شده اند و لذا محققین حرفه یی به اسناد و مدارک متنوع تری خواهند رسید.
ثانیاً. اساتید و علمای محترم سابقاً به کار مشابهی دست زده اند (مرحوم تیمور پیرهاشمی در مقاله اران ولایتیست از آذربایجان "در نشریه وارلیق"؛ پرفسور جواد هیئت در همان نشریه؛ پرفسور محمدزاده صدیق در نشریه نوید آذربایجان و مقالات محقق محترم صمد سرداری نیا و مقالات پراکنده دیگر که امید است محققان به جمع آوری آنها اقدام کنند) در این وجیزه سعی بر عدم نقل منقولات مقالات سابق است.
ثالثاً. مؤلف این سطور هیچ غرضی غیر از ایضاح علمی ندارد و این سطور به معنای طرد یا قبول نظر سیاسی نیست .
رابعاً. اکثر این منابع توسط افراد ناسیونالیست ضد ترک منتشر شده اند .

برخی از اسناد حدود تاریخی سرزمین وسیع آذربایجان



توجه... در این نقشه اراضی آذربایجانی کرج و همدان و ساوه و فراهان و سونقور و بیجار و قوروه و یاس کند و همچنین سواحل رود قره سو واقع در جنوب استان غیر تاریخی کرمانشاه منظور نشده است.

1. آمار مالی و نظامی ایران در سال 1128 ه-ق و یا تفصیل عساکر فیروزی مآثر شاه سلطان حسین صفوی از میرزا محمد حسین مستوفی ، به کوشش : محمد تقی دانش پژوه، مجله فرهنگ ایران زمین ، جلد بیستم ، تهران ؛ 1353، صص 397- 421

در این منبع در چند جا حدود آذربایجان از آنچه بعضی مدعی اند بسیار وسیع تر ذکر شده است . به ذکر موارد اکتفا کرده و قضاوت را به اهل بصیرت واگذار می کنیم :

الف : ساحل دویم در سرزمین ایران کناره دریای قلمز است که از سمتی ملک روس ، و از سمتی زمین ایران است . ابتدای این در بند است که باب الابواب نیز گویند از اعمال آذربایجان ،وانتهای او مشهد سر که از اعمال مازندران است و ساحل قلمز از کناره زمین سه بیگلر بیگی نشین است:

چنانچه اول از آذربایجان دربند و بادکوبه و سالیان دویم از گیلان زمین ،...ص 404

ب : اما خلقت آذربایجان تابع اهل روم بوده اند رای بعضی از اهل تاریخ آن است که اصل آنها ترکمان است قریب العهداند که شامل ایران شده و به مذهب تشیع داخل گردیده اند ، مگر قلیلی از اهل شیروان و شماخی که به دستور از اهل تسن اند صص 404-405

ج : اما سر حد مملکت روم از جانب آذربایجان جماعه=[جماعتی]از قجر افشار را در ارومی و ایروان جا داده اند.ص 406 (

اشاره به سکونت ترکان افشار و قاجار در ایروان:

طایفه دوم از اجله ترکان قاجار و قجراند که اعظام این طایفه در استرآباد و ایروان و مروشاهجهان می باشند . ص.413

د : آذربایجان از تبریز و مراغه تا شیروان و دربند و سالیان تمام و کمال سه صد هزار تومان مالیات و صادر که بیست و چهار لک روپیه میشود ، نصف بابت مالیات نقدی به خزانه پادشاهی داخل میشود و نصف در ملک خرج میشود.ص420

2. میرزا علینقی مشیر لشکر نایینی، مآثرالصدریه، در دفتر تاریخ: مجموعه اسناد و مدارک تاریخی به کوشش: ایرج افشار (تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، (1380 صص) 55-133 تاریخ رساله 1274 ص.88)

رساله فوق در تمجید از مآثر صدر(!) از صدر اعظم های بی کفایت عصر قاجار و تقبیح مخالفان اوست:
- تا به حال به لطایف حیل چند ولایت آذربایجان را به آن دولت] روسیه[واگذار و هشت کرور وجه نقد از خزانه سلطانی داده یک کرور نیز بر ذمه قبول نمودند...ص60

3. میرزا فضل ا. شیرازی، تاریخ ذوالقرنین، تصحیح و تحقیق: ناصر افشارفر) تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ، سازمان چاپ و انتشارات: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، (1380ج1)

الف: شهرهای مشهور این شانزده ایالت از آذربایجان ، تبریز و اردبیل و خلخال و مراغه و خوی و ارومی و ایروان و شوش و گنجه و نخجوان است.ص14

ب: اهلس (ایران) جمعا داخل طبقه اسلام ، مگر ارمنه گرجستان و آذربایجان و قلیلی از طوایف مجوس یزد و کرمان.ص16

ج: و در ازاء آن همه زحمات، یالت وسیع المساحت آذربایجان را از قاپلان کوه تا دربند ، به عهده اهتمام ولیعهد دوران محول و احکام قضا به امضای صاحبقران قضا امضا،مسجل آمد .ص230

د : این معنی محقق است که جماعت بد عاقبت روسیه روسیه از روزی که پای به خاک گرجستان و حدود آذربایجان نهادند، هیچ یک از ولایات را به ضرب و زور نگشادند .شهر تفلیس را گرگین خان والی-از قراری که ذکر شد-در گشود و ایشپخدر ولایت گنجه را به سبب حرام زادگی نصیب بیگ شمس الدینلو و ارمنه آنجا مفتوح نمود .قلعه شوشی را به سبب خرافت ابراهیم خلیل خان جوانشیر تصرف کردند و هر یک از ولایات آن طرف رود ارس را به نهجی که ایراد می گردد و به حیل و تزویر به دست آور [د] ند .ص257

ه: ذکر تسلط جماعت روسیه از روی تغلب به ولایت مغصوبه از آذربایجان و سرداری و "...

و: مختصر فصول عهدنامه یازده گانه این که: ناپلیون ایمپراطور فرانسه، جنود روسیه را از تفلیس و سایر محالات گرجستانات و ولایات آذربایجان متصرفی ایشان به هر نوع تواند یا به جنگ یا به صلح اخراج نماید...ص270

ز: تخلیه ولایات گرجستان و آذربایجان، ص 292

ح... چون رأی عالم آرا بر آن تعلق یافت که در جمیع سر حد و شغور مملکت قلاع رزینه به جهت محافظت از دستبرد روسیه بسته گردد،لهذا حکم رفت که جناب میرزا بزرگ فراهانی از آذربایجان به دربار سپهر مبانی شتابند .پس از ورود ، مبلغ دویست هزار تومان زر نقد از خزانه عامره به جهت مصارف این کار عنایت رفت و حکم شد که به دستیاری مهندسین انگریزی در حدود قراباغ و نخجوان و خوی و اردبیل و سر حد طوالش قلعه جات رفیع و خنادیق عمیق مهیا داشته...صص 10-309

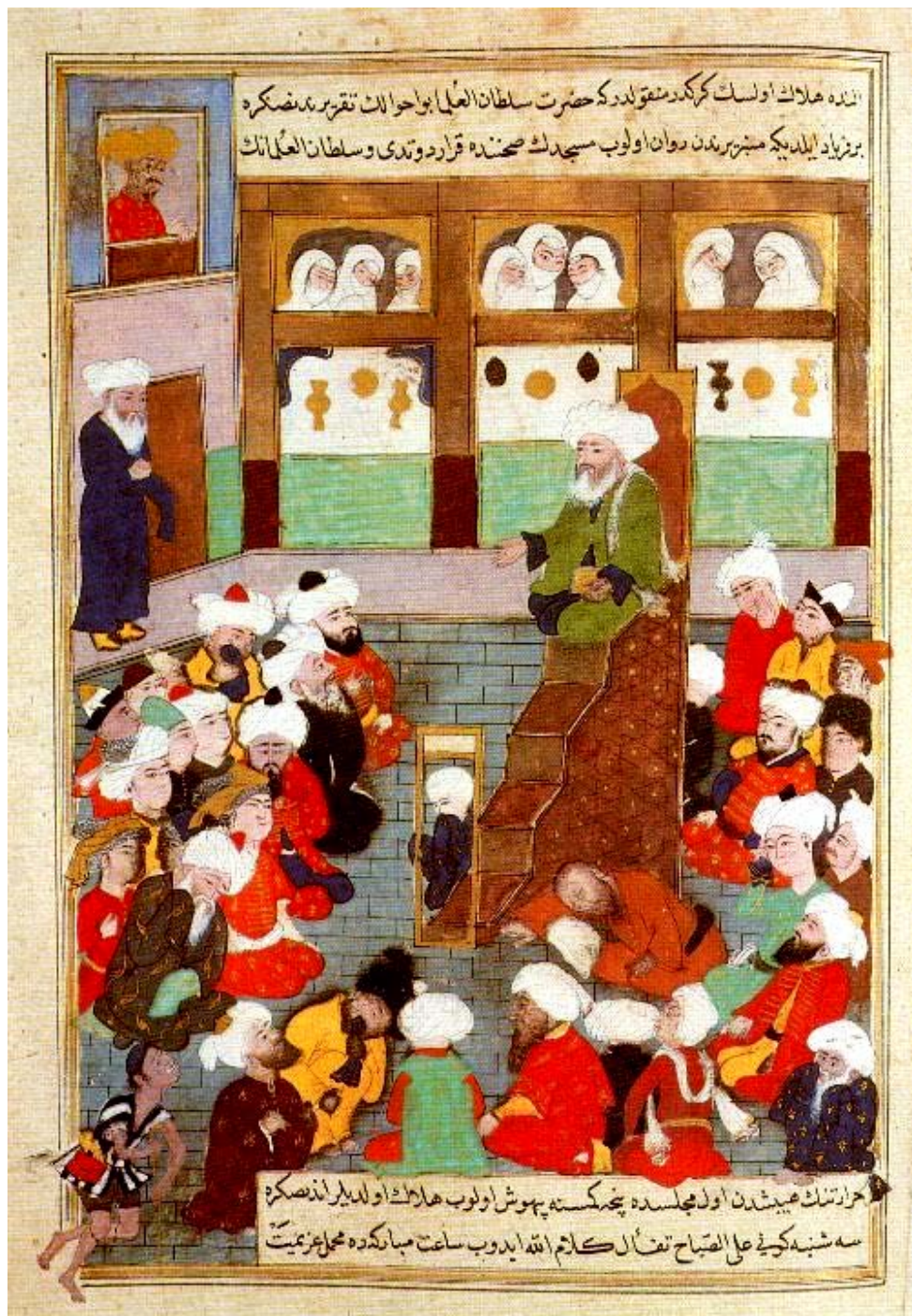
4. میرزا محمد صادق موسوی نامی اصفهانی ، تاریخ گیتی گشا ، با دو ذیل آن و با مقدمه: سعید نفیسی (تهران:اقبال،1366چاپ3)، ص 430

- رود ارس که از مشاهیر رودهای کبیر ست در وسط آذربایجان جاری و متصل به دریای خزر و باب الابواب بلاد و الکای مذکور آنچه در ماورای رود مزبور واقع گردیده است مشهور به ولایت آن طرف آب که غرض از آن شیروانات و سالیان و بادکوبه و قبه و شاپوران و دربند باب الابواب [است] ص 110

5. احمد بن ابی یعقوب ، البلدان ترجمه: محمد ابراهیم آیتی) تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 212+17 (2536ص

- پس هر کس آهنگ آذربایجان کند، از زنجان بیرون رود و چهار منزل تا شهر "اردبیل" رهسپار گردد و وارد اردبیل نخستین شهری است که از شهرهای آذربایجان می بیند و از اردبیل تا "برزند" از استانهای آذربایجان سه روز راه است و از "برزند" تا شهر ورثان از استانهای آذربایجان، و از ورثان و از "بیلقان" تا شهر مراغه که مرکز آذربایجان بالاست. و استانهای آذربایجان عبارت است از: اردبیل، برزند، ورثان، بردعه، شیز، سراه، مرند، تبریز، میانه، ارومیه، خوی و سلماس. ص 46

اسنادی از قدمت حضور ترکان در آذربایجان



غیر از اشارات و تصریحات تاریخی در مورد ترک بودن مادر هرمز چهارم از سلاله ساسانی، بعضی کشفیات جدید نیز از سکونت قدیمی ترکان در محدوده ایران کنونی و من جمله آذربایجان حکایت می کند :

طبق نوشته یانوش هارماتا محقق مجار مزاری که در اوچ تپه (جمهوری آذربایجان) کشف شده متعلق به افسری ترک است که رییس گارد سلطنتی بوده است. سنگ مزار نام او را سیلیگ ذکر می کند که از اسامی رایج ترکان بوده و در دیوان اللغات التترک نیز آمده است .

Janos Harmatta .A Turk Officer of the Sasanian King Xusro I : in Acta Orientalia Academiae Scientiarum Hungaricae, Volume 55, Numbers 1-3, 10 September 2002, pp. 153-159(7)

همانطور که محقق مذکور اشاره می کند، در تواریخ، و در اشاره عصر حیات افسر مزبور (حدود 540 میلادی) (از دو ناحیه امپراتوری ساسانی به عنوان محل اسکان ترکان بحث می شود:

1. دهستان (گرگان امروزی) : طبری از سکونت طایفه صول (چول) در آنجا و جزیره یی از دریای خزر سخن مگوید). رجوع شود به: عباس زریاب خویی، بزم آورد :شصت مقاله درباره تاریخ، فرهنگ و فلسفه (تهران: محمد علی علمی، 1368) ص 545



2. آذربایجان: خسرو انوشیروان در خاطرات خود به تفصیل از آن بحث می‌کند:

در آغاز سی و هفتمین سال پادشاهی ما چهار دسته از ترکان ناحیه خزر که هر کدام را فرمانروایی بود به ما نامه نوشتند و از تنگدستی که به آنها روی آورده و از سعادت‌ی که از بندگی نمودن به ما نصیب آنها می‌باشد یادآور شد و خواهش کرده بودند که به آنها اجازه دهیم که با یاران خود به خدمت ما در آیند و فرمانبردار ما شوند و نیز خواهش کردند که از لغزشهای گذشته آنها چشم پوشیم و آنها را در ردیف دیگر بندگان خود در آوریم...

من در پذیرفتن درخواست آنها چند سود می‌دیدم از آن میان سختی و دلاوری آنها، و نیز ترسیدم که نیازمندی آنها را به درگاه قیصر روم یا یکی از فرمانروایان بکشاند و دشمنان ما از همراهی اینان نیرو گیرند و از دلیری ایشان شوکتی یابند... من به اینها پاسخ دادم ما می‌پذیریم (ص 15): و هر که بخواهد در فرمانبرداری ما در آید و به کسانی که نزد ما هستند از آنچه داریم دریغ نمی‌ورزیم. آنگاه به مرزبان در بند نوشتیم و او را فرمودم که ترکان را یکی پس از دیگری اجازه ورود بدهد، مرزبان به من نوشت که پنجاه هزار نفر از ترکان با زنان و فرزندان و خانواده آنها و نیز سه هزار تن دیگر از سران آنها با خانواده و زنان و فرزندان خود نزد او آمده‌اند و چون این آگهی به من رسید دوست داشتم که آنها را به خود نزدیک گردانم تا بخشش و بزرگداشت مرا درباره خود ببینند و نیز به سران سپاه ما دلگرم شوند تا هرگاه خواستیم آنها را با یکی از سران سپاه خود سویی فرستیم هر یک را به دیگری اعتماد باشد و خود به آذربایجان رهسپار شدم. چون به آنجا رسیدم به آنها اجازه آمدن نزد خود دادم... و چون به آن پنجاه و سه هزار ترک رسیدم فرمان دادم که ترکان صف کشند و در آن روز از سواران خود من و کسانی که به من وارد شده بودند و کسانی که به ما فرمانبرداری و بندگی من در آمده بود آن قدر زیاد بودند که مرغزاری که درازیش حدود ده فرسنگ بود گنجایش آنها را نداشت خدا را بسی سپاس گذاشتم فرمان دادم که این ترکان با خاندانشان به هفت دسته تقسیم شوند و هر دسته را سروری از خودشان بر گماشتم و به هر یک آب و زمین دادم و مردان را پوشاک دادم و برایشان روزانه معین نمودم. فرمان دادم به آنها هم آب و زمین دهند. گروهی از ایشان را یکی از سرداران خویش به سیرجان و گروهی با دیگری از سردارانم را به آلان و پاره‌یی را در آذربایجان سکونت دادم و با این روش در هر یک از مرزها آنچه به آن نیازمند بودیم از ترکان بر گماشتم و آنها را در زیر فرمان مرزبان آنجا گذاشتم. از آنگاه تا کنون پیوسته از خیر خواهی و کوشش آنها برخوردار بوده ایم و به هر سویی از شهرها و مرزها فرستاده ایم ما را خرسند ساخته‌اند. (ص 16):

ترجمه فارسی از **تجارب الامم** ابن مسکویه رازی: علی مرزبان راد، **خسرو انوشیروان در ادب فارسی، انتشارات دانشگاه ملی**